دیدگاه

مصوبه‌ای که روی زمین ماند

دبیر کل اسبق ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید که طبق قانون کشت کوتاه‌ای از خشخاش در ایران (اولیفرا) از سال ۸۳ به بعد مجاز اعلام شده است اما کمؤکاری ما سبب شده آین‌نامه اجرایی این قانون، هیچ‌گاه تدوین نشود. علی هاشمی دبیر کل اسبق ستاد مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره دلایل توقف این قانون توضیحاتی ارائه می‌دهد.

■ چرا قانونی که بسرای توزیع دولتی مواد مخدر وضع شده بود، متوقف شد؟

آن قانون اجرا نشد که متوقف شود. مجمع تشخیص مصلحت آن قانون راتصویب کرد و رهبری هم ابلاغ کردند. قرار بود برایش آیین نامه بنویسند اما ارادهای در کشور نبود که اجرا شود.

■ چرا اراده نبود؟

بحث مفصلی دارد که نمی‌خواهم به آن وارد شوم. مهمترین رکن مصوبه مجمع این بود که مجوزی که برای کشت خشخاش دادنیم باطل شده بود. در سال ۸۹ خودمان از آن با باطل کردیم و کشت خشخاش را نابود کردیم. ما جزء هفت تا هشت کشوری بودیم که سازمان ملل به ما مجوز کشت داده بود. همسایه‌های ما هشت دانشتند و ما به شکل سنتی مصرف داشتیم. از مجوز ارزش راهبری و استراتژیک برای ایران داشت و از زمان شاه هم بود. متاسفانه ما به دلیل عدم کار کارشناسی و نداشتن نگاه علمی خودمان یک طرفه مجوزمان را در شورای انقلاب باطل کردیم. مواد مخدر از آن مقطع وضع بحرانی‌تری به خود گرفت. آن زمان افغانستان ۳۰۰ تن تولید داشت. در حال حاضر این رقم به ۱۰ تا ۱۵ هزار تن رسیده است. بعد از حذف مبارزه به این نتیجه رسیدیم که مدیریت کردن مواد را تولید داروی ارزان‌قیمت برای معتادان در دست خود بگیریم. به این دلیل، کشت توخ خاصی از شقایق مورفین‌دار را در مجمع تصویب کردیم. من پیگیر بودم و وزیر بهداشت وقت، آقای دکتر پزشکیان هم پیگیر این مسئله بود. ستاد مبارزه با قاچاق هم متولی بود. این پیشنهاد تصویب و اجرایش شد. در حال حاضر هم مکمل اخلاقی ماده ۴۱ قانون است. فقط ستاد باید آین‌نامه‌های قانون را نهایی می‌کرد. باید وزارت خارجه دنبال مجوز از سازمان ملل می‌رفت و جهاد کشاورزی امکانات کشت را فراهم می‌کرد که این کارها انجام نشده است. بدبینانه‌ترین حالت این است که همان ماقبلی که به ما لقا کرد و هدایتمان کرد که ناآگاهانه کشت خشخاش را هما کنیم. به اعتقاد من همان ماقبل ما هم اکنون نمی‌گذارد که این کشت انجام شود زیرا بازار بزرگی از دستشان خارج می‌شود.

■ کدام بازاربزرگ از دستشان خارج می‌شود؟

بازار بزرگ جهار میلیون آدمی که مصرف‌کننده مواد مخدر هستند. به این گروه باید روزانه و منظم مواد برسد. از تفننی‌ها بگیر تا معتادان قطعی که دو میلیون و ۹۰۰ تا سه میلیون نفر هستند. این بازار، گسترده است. طبق آماری که داریم بر اساس برآورد سال ۸۳، اقتصاد مواد مخدر ۱۲ میلیارد دلار بود که ۴۶ درصد آن مربوط به مصرف بود. یعنی آرام گردش مالی بخش مصرف نزدیک به پنج میلیارد دلار باشد. در صورت ثباتمان‌دن شرایط یا گذشت ۱۶ سال از آن تاریخ، گسردش مالی بازار مصرف تریاک نزدیک ۱۰ تا ۱۰ هزار میلیارد تومان است. ماهوای مواد مخدر نمی‌گذارد این بازار از دستشان در برود. اعتقاد من این است که با توجیحات قانونی و سهل انگارانه‌ای مصوبه مجمع اجرا نشده است. شنیده‌ام دوستان زیری انتظامی، بنابه تعاون و جهای مختلف دنبال اجرای آن هستند اما خیر ندارم که موفق به اجرا شده‌اند یا خیر. اطلاع دقیق ندارم.

■ مصوبه مجمع تشخیص در زمینه کشت آن گونه خشخاش است که از آن تریاک استحصال می‌شود؟

مصوبه ما شقایق اولیفرایی بود که از تولید آن فقط مورفین استحصال می‌شود. به بادت می‌آورند که در پس کشورهای کوتایی این روزها، فضل تو شده است.

خبر رسیده که پای درختان زاگرس، کسانی خشخاش کاشته‌اند. محصول ممنوعه‌ای که شیرهاش خاصیت دارویی فراوان دارد ولی یک عیب هم دارد. می‌توانند آدم را معتاد کند. وقتی از وجود مزرعه خشخاش در زاگرس صحبت می‌شود، باد توییت محمدجواد آذری‌جهرمی وزیر ارتباطات می‌افتم. او نهم بهمن سال ۹۷ در توییتی اعلام کرده بود که «فقط در یک قفره پایش سطوح زیر کشت به ۷۰ هکتار نیز در یک شهر غرب کشور رسیدیم که در آن خشخاش کشت شده است». این توییت که اراهی زیر آشکوب مناطق صعب‌العبور و دور از دسترس زاگرس به کشت خشخاش اختصاص می‌یابد؛ محصول ممنوعه‌ای که آن از تریاک استخراج می‌شود. مردم محلی می‌گویند که این محصول را برای مصارف شخصی می‌کارند و به این ترتیب لازم نیست برای دسترسی به این مخدر، چشم به آن سوی مرزهای شرقی داشته باشند. صاحبان مزارع نامشخص هستند و از قطعاتی به وسعت ۲۵۰ مترمربع یک کیلوگرم ماده مخدر به دست می‌آید. روستاییان قیمت هر کیلوگرم محصول مزرعه‌های بلاصاحب را ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان اعلام می‌کنند اما می‌گویند این قیمت‌ها قیمت عرفی است و کسی محصول این مزارع را خرید و فروش نمی‌کند. با یک کیلوگرم ماده کدو می‌توان یک میلیارد قطعات یک هکتاری که در آنها خشخاش کشت شده، ۴۰۰ میلیون تومان درآمد برای کشاورز ایجاد می‌کنند و اهالی روستاهای اطراف سیمره می‌گویند کشت خشخاش از محصولات دیمی که قبلا می‌کاشتند، قطعاً درآمد بیشتری برایشان ایجاد خواهد کرد. کسی نمی‌داند چگونه نخستین بذرهای این کیاه مستوجه پایش به منطقه باز شده است. نمی‌دانیم آیا کارتل‌هایی هستند که محصول مزارع غیرمجاز را خریداری کنند یا نه. فقط می‌گویند که در درزها و شیارهای زاگرس به خصوص نقاط دوردست و دورافتاده‌ای که ساکنان آن بضاعت مالی کسی دارند، عده‌ای مشغول به کشت کیاهی هستند که اگر به وضعیت آنها رسیدگی و از پتانسیل‌های قوانین برای کشت گونه‌های مجاز خشخاش استفاده می‌شد، شاید وضعیت زاگرس بهتر از امروز بود. در دو سوی سیمره از چشم کار می‌کند. قطعات چند مترمربعی تا چند هکتاری به کشت خشخاش اختصاص یافته است. به عبارتی تا نوک قله کودها، به صورت لکه‌های پراکنده زیر کشت خشخاش رفته است و اهالی این مناطق از مزایا بدون شک وقت و نیروی انسانی زیادی را طلب می‌کند.

آخرین ماه فصل بهار است اما طبیعت هنوز سرخوشی‌های بهارانه را در خود دارد. آسمان صاف است و آفتاب بدون حتی لکه‌ای ابر است. طبیعت هنوز شادابی فصل نو را در خود حفظ کرده. دشت‌ها سرسبز و کشاورزان در مزارع مشغول به کارند. آنها مشغول وجین‌کردن مزارع هندوانه کاشته‌شده در دو سوی جاده‌ای به سمت منطقه کرمسیری استان لرستان هستند تا به وقتش، محصولی خوب از این مزارع برداشت کنند. هدهدها در آسمان پرواز می‌کنند و به بادت می‌آورند که در پس دشوره‌های کورنایی این روزها، فصل تو شده است.

خبر رسیده که پای درختان زاگرس، کسانی در حوالی مرزهای سه استان تا نوک قله به‌صورت پراکنده و در وسعت‌های مختلف قابل تشخیص است. البته اگر لکه‌های کوچک و بزرگ که تیرتر دیده می‌شوند واقعا خشخاش باشند، دسترسی به بعضی از آنها اراحت نیست. مسئولان امحا می‌گویند لای درز کوه‌های زاگرس اگر اندک زمینی بوده، تبدیل به محلی برای کشت خشاش شده است. اینکه قطعات از ۱۰۰ متر مربع تا یک هکتار و گاه چند هکتار متفاوت است. مزارعی که دسترسی به آنها اراحت است، ترتیج امحا می‌رود و شاید صاحبانشان نتوانند از کشتوکار خود عیادی داشته باشند اما بخش زیادی از این مزارع که در لای درز کوه‌ها هستند و گاه صاحبان آنها با طناب، صخره‌ای مرتفع را طی می‌کنند که به سطح مزرعه برسند، کمتر آسیب می‌بینند چون دسترسی به آنها اراحت نیست. همین سختی کار، کشت خشخاش در آن حوالی را به شغلی مردانه تبدیل کرده است و از زنان برای کار در این مزارع ممنوعه استفاده نمی‌شود. این در حالی است که مردم می‌آورند. همین چهار دهه قبل، زنان و مردان و بچه‌ها همگی در مزارع خشخاش مشغول به کار بوده‌اند.

مزارع بی‌صاحب

برای رسیدن به مزارع ممنوعه پیچ‌وخم‌های یک جاده خاکی را باید طی کنیم. در مسیر یک تریلر بر از چوب بلوط‌های زاگرس جلب نظر می‌کند. صاحبش می‌گوید جریمه تخلفش را پرداخت کرده است. برگه جریمه را که نشان می‌دهد، عددی ناچیز توسط نیروی انتظامی روی برگه نوشته شده است. راننده تریلر می‌گوید که از چوب‌ها برای پخت‌وپز و رفع نیازهای شخصی استفاده می‌کند چون چوب‌ها گران است. راسم هم می‌گوید: دریکی از روستاهای منطقه هر کیلو زیتون ۳۵۰۰ تومان فروخته می‌شود. ۵۰۰ تومان کرانتر از آنچه ساکنان شهرها برای هر لیتر نزیتن پرداخت می‌کنند. روستا کازگشتی ندارد، کیسول گاز یکبارد تا به دست اهالی روستا برسد. طبیعی است که ساکنان منطقه بخواهند نیازهای خودشان را از نزدیک‌ترین و ارگان‌ترین منبع تهیه کنند. در چنین فضایی مزارع خشخاش کشف می‌شوند که صاحبان مشخصی ندارند یا کسی نمی‌خواهد دراباره صاحبان آنها صحبت کند. اهالی روستاهای اطراف نمی‌دانند که این مزرعه‌ها متعلق به کیست. اما خوب به راسامی شاخصی که به کشف مزارع می‌شناسیم یعنی یک سیر تیره‌رنگ‌تر از مرتع، چشمان دو سوی سیمره دوده می‌زند تا شاید مزرعه مورد نظر را بیابیم. هرچند مزارع هدفی هم از قبل برای امحا مشخص شده است اما دامنه‌ای هم برای امحا در پی نگاه متولیان امحا مخفی نمی‌ماند. از جاده آسفالت وارد جاده خاکی می‌شویم و به سمت مرز مشترک استان لرستان، ایلام و کرمانشاه حرکت می‌کنیم. مزارع خشخاشی که مخبرها خبر آن را داده‌اند در نزدیکی تنگه شیرز واقع شده‌اند. اگرچه طبیعت به‌طور آرام و بهاری است اما در دو سوی سیمره غوغایی است. کله‌های سبز تیره که همان مزارع خشخاش هستند در شب‌ها انجام می‌شود؛ چون نور خورشید باعث رقیق‌شدن شیره گیاه و جاری‌شدن آن می‌شود. تبژدن در ساعت انتهایی غوره یعنی نزدیک به ساعت گرز. به سمت محل اتصال آن به یونه انجام می‌شود و از جمع‌آوری شیره، مسیری خلاف جهت تبژدن و ابار می‌کند تا شیره حاصل در یک ظرف جمع و برای طی مراحل استحصال نهایی به مکان دیگری منتقل شود. کشاورزان در زمان تبژدن خشخاش‌ها رو به عقب حرکت می‌کنند و وقتی می‌خواهند شیره گیاه را جمع‌آوری کنند، مسیر عکس را طی می‌کنند. چند ساعت بعد از تبژدن، شیره گیاه که روی گرز جمع شده، آماده است که با ابزار قاشق‌مانندی جمع‌آوری شود. شیره گیاه پس از جمع‌آوری در معرض هوا بدون حرارت‌دهی رطوبت خود را از دست داده و غلیظ‌تر می‌شود تا محصولی به رنگ قهوه‌ای روشن به دست بیاید. بعد هم با وزن‌دادن آن، خمیری تیره‌تر تولید می‌شود که مخدر است. البته استفاده‌های مفید هم می‌توان از آن کرد و انواع مسکن‌ها را می‌توان از تریاک در کارخانه‌های داروسازی استخراج کرد.

گردش مالی بالای مواد مخدر

وقتی درباره مزارع ممنوعه خشخاش حرف می‌زنیم، از محصولی حرف می‌زنیم که گردش مالی ناشی از تجارت محصول آن ارقام سرسام‌آوری است. درآمدهای حاصل از تجارت مواد مخدر با منشا افغانستان ۶۵ میلیارد دلار برآورد شده و گردش مالی سالانه مواد مخدر در دنیا هزاروه ۵۰۰ میلیارد دلار است. محمد ترحمی در سومین نشست اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر در ۲۰ مرداد ۹۸ اعلام کرده بود که گردش مالی مواد مخدر در کشور ۱۶۷ هزار میلیارد تومان است و این در حالی است که بودجه کشور ۲۵۰ هزار میلیارد تومان اعلام می‌شود. گردش مالی ناشی از تجارت خشخاش به‌عنوان یکی از انواع مخدر پرمخاطب دیرپا هم در دل این اعداد جای دارد. کسانی که کشت خشخاش را در گذشته می‌کردند که هم می‌توان از آن مواد سودمند تولید کرد و هم آن را مصرف خودشان کنند. گردش مالی بالای تجارت تریاک همچنین توسعه مزارع خشخاش در ایران، می‌تواند تنش‌ها و منازعات در این حوزه را بیشتر کند. تریاک همان‌قدر که می‌تواند در صنعت دارویی کاربرد داشته باشد و ترکیبات سودمند از آن استخراج شود، تحت فرایندهای شیمیایی به مخدری به‌مراتب خطرناک‌تر یعنی هروئین تبدیل می‌شود. در سال ۲۰۱۸ انبارهای افغانستان، میانمار و مکزیک دست‌کم ۱۴ هزار تن تریاک در خود جای داده بودند که برای تولید ۱۴ هزار کیلو هروئین کفایت می‌کرد. آیا در این هم جنگ‌های زاگرس در حال نابودی هستند تا مافیای قدرتمندی تریاک وطنی را به هروئین ایرانی تبدیل کند؟ کسی نمی‌داند. ایران کردوری است که به کوه‌های مطبع ۷۵ درصد مواد مخدر دنیا در آن کشف می‌شود. در همسایگی‌اش کشور افغانستان به‌عنوان یک تولیدکننده مهم تریاک قرار دارد و چهار دهه است که کشت خشخاش را به صورت خودخواسته، کنار گذاشته است. آیا این رویه بر کاهش روند اعتیاد در ایران تاثیر گذاشته است؟ آیا به عمل می‌آید و گاهی در بیلاق اصلا خشخاش رشد نمی‌کند. در مناطق کرمسیری به صورت کشت پاییزه هم می‌توان خشخاش کاشت. اگر در انتهای رسیدگی گرز خشخاش باردندگی‌ها متوقف شود، با یک بار یا دو بار آب‌دادن، (هر ۲۰ روز یک بار) می‌توان محصول برداشت کرد.

آنها بر این باورند که در گذشته خشخاش یک سانتی‌متر یا دو سانتی‌متر زیر خاک باشد، اصلا رشد نمی‌کند و باید دانه را روی خاک بریزند و یا یک لایه نازک چند میلی‌متری خاک بپوشانند تا دانه جوانه بزند. آن لایه نازک خاک را هم برای این روش بذرها می‌باشد که پرنده‌ها آنها را نخورند.

روستاییان منطقه کرمسیری استان لرستان بر این باورند که بیشتر در آن سوی سیمره و طرف‌های حوزه ایلام و کرمانشاه خشخاش می‌کارند و زمین‌های کشت ممنوعه استان آنها یعنی لرستان، نسبت به خشخاش‌ها کم‌تر است.

امحای ناموفق

عملیات امحا همیشه هم موفقیت‌آمیز نیست و گاهی ماموران وقتی به مزرعه می‌رسند که کار از کار گذشته و خشخاش‌های مزرعه سه، بار تبغ خورده‌اند. مثل مزرعه ۲۰۰ مترمربعی که برای امحای آن کیلومترها راه طی شناسایی مزرعه آن نرسیدیم. تنها ابزار امحا، یک چوب‌دستی است که با آنها یونه‌های خشخاش را می‌شکنند. برای رفتن به مزارع نیاز به رابطه محلی است یا اینکه باید موقعیت مکانی و درست مزرعه را در اختیار داشته باشید یا از کمک‌هایی که در زیراشکوب زاگرس گزارش کیلومترها را می‌گیرند، استفاده کرد. آنها می‌گویند که سه مرحله تبژدن روی گوزهای خشخاش را داشت. هنوز نه‌دهای کزهای تبژده چنید جوله گذارد و گزهای کوچک‌تری به چشم می‌خورد که اگر مزرعه امحا نمی‌شد، صاحب این محصول ممنوعه می‌توانست کمی شیره بیشتر از مزرعه برداشت کند. برای ایجاد این مزرعه، دست‌کم دو سه ماه درخت یونه قطع شده بود تا محوطه‌ای به این وسعت ایجاد شد. وسط مزرعه هم یک مترسک گذاشته بود تا شاید حیوانات وحشی منطقه را بترسانند تا مزرعه ممنوعه را خراب نکنند.

یونه‌های خشخاش به صورت متراکم کنار هم قرار داشتند و در انتهای هر یونه یک یا دو گرز خشخاش به چشم می‌خورد. یونه‌هایی که از هم می‌شود و انواع کوهی‌اش (وحشی‌اش) هم در زاگرس پیدا می‌شود که هیچ فرقی با خشخاش‌های مزارع غیرمجاز ندارد. اگر به زمین کوه رنیشه (کود فسفاته و اوته) داده شود، با کود حیوانی بهاره یا پاییزه (که کیفیت‌های مختلفی دارند) پای یونه‌های خشخاش ریخته شود، حجم برداشت محصول هم افزایش می‌یابد زیرا گرزهای خشخاش درشت‌تر می‌شود. ارتفاع یونه افزایش می‌یابد و برداشت شیره هم بهتر می‌شود. روستاییان می‌گویند در سال‌های زیراشکوب به عمل نمی‌آید زیرا نوع کشت دیم است و گیاه نمی‌تواند رشد کافی داشته باشد. در مناطق کرمسیری خشخاش بهتر از مناطق بیلاق آزاد شود. درآمد مزارع این محصول بیشتر از کشت دیمی است که این روزها به آن منفعل هستند.

به کفته اهالی روستا از یک مزرعه ۲۵۰مترمربعی، یک کیلوگرم تریاک برداشت می‌شود. بنا بر این ادعا، روستاییان اگر کار خلاف کنند، از سطحی معادل یک‌چهلم هکتار (هم هکتار ۱۰ هزار مترمربع است) دست‌کم حدود ۱۰ میلیون تومان عایدی دریک سال خواهند داشت و بنابراین اگر قطع یک هکتار زیراشکوب زاگرس را شخم زده و خشخاش بکارند، ۴۰۰ میلیون تومان درآمد کسب خواهند کرد.

کشت چه محصولی با عایدی حاصل از خشخاش برابری می‌کند؟

از آنها می‌پرسیم، چرا به جای خشخاش زغفران نمی‌کارید؟ می‌گویند کشت زغفران زحمت دارد در حالی که خشخاش این سختی‌ها را ندارد. درآمد خشخاش هم از زغفران بیشتر است.

با جست‌وجو در میان آمار و اطلاعات می‌شود فهمید که کشاورزان منطقه درست می‌گویند زیرا از هر هکتار زمین زغفران در سال سوم حدود ۱۰ کیلوگرم زغفران خشک به‌دست می‌آید و هر کیلو زغفران خشک در بهترین شرایط ۲۱ میلیون تومان خرید و فروش می‌شود. در نتیجه درآمد حاصل از هر هکتار زمین زغفران فقط ۱۲۰ میلیون تومان است که با تنج سالی است که مزارع غیرمجاز بیشتری در دامنه‌های زاگرس می‌بینند. آنها به خاطر می‌آورند که در گذشته، بعد از اینکه برادرانشان بذر سار بعد را از گزهای خشک‌شده مزارع استخراج می‌کردند، بقیه بذرها به عنوان تنقلات زمستانی سمپه بچه‌ها می‌شده است. معتقدند که بخار حاصل از مزرعه خشخاش در زمان تبژدنی گرم‌سا آدم را می‌کبود و برای راهی از این مشکل (که آن را به‌صورت نوعی حالت سرگیجه و تهوع توصیف می‌کنند)، گذاشتن کشک زیر زبان در زمان کار در مزرعه خشخاش را توصیه می‌کنند.

روستاییان می‌گویند: «قدیما می‌گفتن برای اینکه بخار خشخاش نگیردت باید شب به سبج کباب بخوری». شاید همین باور است که مردمان چند قرن است به کباب‌خوران قهاری تبدیل کرده است. زاگرس‌نشین‌ها در تمامی جشن‌ها و مهمانی‌های عیادی، جلوی سایی میهمانان گوسفندی زمین می‌زنند و همه آن را یکجا می‌خورند. حتی اگر میهمان یک نفر باشد و کل جمعیت حاضر در این مراسم به سه نفر هم نرسد.

مردم به‌خوبی به خاطر می‌آورند که در سال‌های نوجوانی در از محصول خشخاش سایی آرام‌کردن نوزادان بی‌قرار استفاده می‌شده است. وقتی یک نوزاد نازه‌متولدشده خیلی بی‌قراری می‌کرده است، مخلوط تریاک و روغن حیوانی را پشت گوش نوزسیده می‌مالیدند تا او آرام بگیرد.

درباره فرهنگ مصرف مواد مخدر در روستاها هم حکایت‌هایی دارند. آن روزهای که بدرانشان مشغول کشت‌وکار یک ماده افیونی بوده‌اند، فقط افراد مسن به خاطر کاهش دردهایشان تریاک مصرف می‌کردند. این مخدر در مراسم و جشن‌ها فقط به افراد مسن عرضه می‌شده و از جوانان معتاد در روستاها به خاطر فریب اعتیاد، خبری نبوده است. حالا اما می‌گویند با وجود ممنوعیت‌های قانونی، جوانان روستا هم به درد اعتیاد گرفتار شده‌اند.

درآمدی بیش از کشت دیم

پای درختان زاگرس آن تاجا که چشم کار می‌کند و تراکتور قدرت کارکردن دارد، زیر کشت رفته است. مردم کندم، جو و محصولاتی را به صورت دیم می‌کارند. این شیوه کشت و کار نه تنها معیشتشان را تامین نمی‌کند، بلکه به منابع آب و خاک کشور هم آسیب وارد می‌کند. عده‌ای از آنها چندسالی است که به کشتی جدید روی آورده‌اند. روستاییان در حالی که نمی‌دانند چه کسی بذر اولیه خشخاش را به منطقه آورده است و معتقدند هر کس خشخاش می‌کارد، برای مصرف شخصی خود کاشته است، تقریبا همه کیلوگرم تریاک را بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان برآورد می‌کنند. آنها بر این باورند که اگر کشت خشخاش مجوز گرفت و در مرزهای سه استان تا نوک قله به‌صورت پراکنده و در وسعت‌های مختلف قابل تشخیص است. البته اگر لکه‌های کوچک و بزرگ که تیرتر دیده می‌شوند واقعا خشخاش باشند، دسترسی به بعضی از آنها اراحت نیست. مسئولان امحا می‌گویند لای درز کوه‌های زاگرس اگر اندک زمینی بوده، تبدیل به محلی برای کشت خشخاش شده است. اینکه قطعات از ۱۰۰ متر مربع تا یک هکتار و گاه چند هکتار متفاوت است. مزارعی که دسترسی به آنها اراحت است، ترتیج امحا می‌رود و شاید صاحبانشان نتوانند از کشتوکار خود عیادی داشته باشند اما بخش زیادی از این مزارع که در لای درز کوه‌ها هستند و گاه صاحبان آنها با طناب، صخره‌ای مرتفع را طی می‌کنند که به سطح مزرعه برسند، کمتر آسیب می‌بینند چون دسترسی به آنها اراحت نیست. همین سختی کار، کشت خشخاش در آن حوالی را به شغلی مردانه تبدیل کرده است و از زنان برای کار در این مزارع ممنوعه استفاده نمی‌شود. این در حالی است که مردم می‌آورند. همین چهار دهه قبل، زنان و مردان و بچه‌ها همگی در مزارع خشخاش مشغول به کار بوده‌اند.

مزارع بی‌صاحب

برای رسیدن به مزارع ممنوعه پیچ‌وخم‌های یک جاده خاکی را باید طی کنیم. در مسیر یک تریلر بر از چوب بلوط‌های زاگرس جلب نظر می‌کند. صاحبش می‌گوید جریمه تخلفش را پرداخت کرده است. برگه جریمه را که نشان می‌دهد، عددی ناچیز توسط نیروی انتظامی روی برگه نوشته شده است. راننده تریلر می‌گوید که از چوب‌ها برای پخت‌وپز و رفع نیازهای شخصی استفاده می‌کند چون چوب‌ها گران است. راسم هم می‌گوید: دریکی از روستاهای منطقه هر کیلو زیتون ۳۵۰۰ تومان فروخته می‌شود. ۵۰۰ تومان کرانتر از آنچه ساکنان شهرها برای هر لیتر نزیتن پرداخت می‌کنند. روستا کازگشتی ندارد، کیسول گاز یکبارد تا به دست اهالی روستا برسد. طبیعی است که ساکنان منطقه بخواهند نیازهای خودشان را از نزدیک‌ترین و ارگان‌ترین منبع تهیه کنند. در چنین فضایی مزارع خشخاش کشف می‌شوند که صاحبان مشخصی ندارند یا کسی نمی‌خواهد دراباره صاحبان آنها صحبت کند. اهالی روستاهای اطراف نمی‌دانند که این مزرعه‌ها متعلق به کیست. اما خوب به راسامی شاخصی که به کشف مزارع می‌شناسیم یعنی یک سیر تیره‌رنگ‌تر از مرتع، چشمان دو سوی سیمره دوده می‌زند تا شاید مزرعه مورد نظر را بیابیم. هرچند مزارع هدفی هم از قبل برای امحا مشخص شده است اما دامنه‌ای هم برای امحا در پی نگاه متولیان امحا مخفی نمی‌ماند. از جاده آسفالت وارد جاده خاکی می‌شویم و به سمت مرز مشترک استان لرستان، ایلام و کرمانشاه حرکت می‌کنیم. مزارع خشخاشی که مخبرها خبر آن را داده‌اند در نزدیکی تنگه شیرز واقع شده‌اند. اگرچه طبیعت به‌ظاهر آرام و بهاری است اما در دو سوی سیمره غوغایی است. خبر رسیده که پای درختان زاگرس، کسانی

«شرق» از توسعه کشت خشخاش در عرصه‌های جنگلی بلوط گزارش می‌دهد

کشت ممنوعه زیر پای زاگرس

اقتصاد

شرق: توسعه کشت خشخاش در ایران با چه هدفی انجام می‌شود؟ ایبا امکان دارد از محصول این مزارع برای تولید داروها هم استفاده شود؟ آن‌طور که فرامرز اخترابی، رئیس هیئت‌مدیره سندیکای تولیدکنندگان مواد دارویی، شیمیایی و بسته‌بندی دارویی به «شرق» می‌گوید: امکان ندارد. محصول این مزارع به واحدهای دارویی منتقل شود زیرا این واحدها از مخدرهای کشف‌شده برای تولید داروها یا پایه مورفین و ترکیباتی که از الکالوئیدهای خشخاش به دست می‌آیند، استفاده می‌کنند. به کفته او مخدرهای کشف‌شده مرغوب با نازترین قیمت در اختیار کارخانه‌های داروسازی ایران قرار می‌گیرد تا داروی ارزان‌قیمت تهیه کنند به همین دلیل ایران به صادرکننده داروهای مشتق از تریاک تبدیل شده است. لکاهی به آمارهای صادرات و واردات هم نشان می‌دهد که ایران در سال‌های ۸۸ تا ۹۷، ۲۷.۷۵ هزار و ۱۶ کیلوگرم ترکیبات مورفین‌دار به ارزش حدود ۱۷ میلیون و ۷۸۰ هزار دلار به کشور وارد کرده و در این مدت ۲۷ هزار و ۳۶۴ کیلوگرم از این ترکیبات با کد تعرفه ۲۹۳۹۱۱ را به ارزش تقریبی ۴۵ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار از کشور صادر کرده است. اخترابی با اشاره به مجازبودن کشت «پاپاور سامنیفروم» در ایران می‌گوید: سال ۸۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کرد این‌گونه از خشخاش در ایران کشت شود اما تاکنون این مصوبه اجرائی نشده است.

تریاک از آن مخدرهایی است که می‌توانند وارد خطوط تولید در کارخانه‌های داروسازی شود تا از آن ترکیبات مسکن تولید کنند. بسته به نوع گونه و شرایط کشت، میزان ماده مؤثره تریاک تغییر می‌کند و عملیات استخراج مورفین از آن در برخی موارد اقتصادی‌تر خواهد شد. همین عملیات به‌زمانی و شیوه کشت است که باعث شده، استرالیا با ۱۰.۷ درصد سطح زیر کشت خشخاش، ۴۵ درصد مورفین دنیا را تولید کند و ترکیه با ۴۶.۵ درصد سطح زیر کشت فقط ۲۴.۵ درصد از کل ارزش مزارع در ایران را به خود اختصاص داده است. محصول ممنوعه‌ای که شیرهاش خاصیت دارویی فراوان دارد ولی یک عیب هم دارد. می‌توانند آدم را معتاد کند. وقتی از وجود مزرعه خشخاش در زاگرس صحبت می‌شود، باد توییت محمدجواد آذری‌جهرمی وزیر ارتباطات می‌افتم. او نهم بهمن سال ۹۷ در توییتی اعلام کرده بود که «فقط در یک قفره پایش سطوح زیر کشت به ۷۰ هکتار نیز در یک شهر غرب کشور رسیدیم که در آن خشخاش کشت شده است». این توییت که اراهی زیر آشکوب مناطق صعب‌العبور و دور از دسترس زاگرس به کشت خشخاش اختصاص می‌یابد؛ محصول ممنوعه‌ای که از آن تریاک استخراج می‌شود. مردم محلی می‌گویند که این محصول را برای مصارف شخصی می‌کارند و به این ترتیب لازم نیست برای دسترسی به این مخدر، چشم به آن سوی مرزهای شرقی داشته باشند. صاحبان مزارع نامشخص هستند و از قطعاتی به وسعت ۲۵۰ مترمربع یک کیلوگرم ماده مخدر به دست می‌آید. روستاییان قیمت هر کیلوگرم محصول مزرعه‌های بلاصاحب را ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان اعلام می‌کنند اما می‌گویند این قیمت‌ها قیمت عرفی است و کسی محصول این مزارع را خرید و فروش نمی‌کند. با یک کیلوگرم ماده کدو می‌توان یک میلیارد قطعات یک هکتاری که در آنها خشخاش کشت شده، ۴۰۰ میلیون تومان درآمد برای کشاورز ایجاد می‌کنند و اهالی روستاهای اطراف سیمره می‌گویند کشت خشخاش از محصولات دیمی که قبلا می‌کاشتند، قطعاً درآمد بیشتری برایشان ایجاد خواهد کرد. کسی نمی‌داند چگونه نخستین بذرهای این کیاه مستوجه پایش به منطقه باز شده است. نمی‌دانیم آیا کارتل‌هایی هستند که محصول مزارع غیرمجاز را خریداری کنند یا نه. فقط می‌گویند که در درزها و شیارهای زاگرس به خصوص نقاط دوردست و دورافتاده‌ای که ساکنان آن بضاعت مالی کسی دارند، عده‌ای مشغول به کشت کیاهی هستند که اگر به وضعیت آنها رسیدگی و از پتانسیل‌های قوانین برای کشت گونه‌های مجاز خشخاش استفاده می‌شد، شاید وضعیت زاگرس بهتر از امروز بود. در دو سوی سیمره از چشم کار می‌کند. قطعات چند مترمربعی تا چند هکتاری به کشت خشخاش اختصاص یافته است. به عبارتی تا نوک قله کودها، به صورت لکه‌های پراکنده زیر کشت خشخاش رفته است و اهالی این مناطق از مزایا بدون شک وقت و نیروی انسانی زیادی را طلب می‌کند.

آخرین ماه فصل بهار است اما طبیعت هنوز سرخوشی‌های بهارانه را در خود دارد. آسمان صاف است و آفتاب بدون حتی لکه‌ای ابر است. طبیعت هنوز شادابی فصل نو را در خود حفظ کرده. دشت‌ها سرسبز و کشاورزان در مزارع مشغول به کارند. آنها مشغول وجین‌کردن مزارع هندوانه کاشته‌شده در دو سوی جاده‌ای به سمت منطقه کرمسیری استان لرستان هستند تا به وقتش، محصولی خوب از این مزارع برداشت کنند. هدهدها در آسمان پرواز می‌کنند و به بادت می‌آورند که در پس دشوره‌های کورنایی این روزها، فصل تو شده است.

خبر رسیده که پای درختان زاگرس، کسانی

لیلا مرزن: چهار تا پنج سالی است که بلوط‌های زاگرس میزبان میهمانان ناخوانده‌ای هستند. زاگرس‌نشینان سالیان سال است که پای جنگل‌های بلوط را برای کشت و کار شخم می‌زنند اما چندی است محصولی را در این زمین‌ها می‌کارند تغییر داده‌اند. آنها تا جایی که تراکتور کشش داشته باشد، روی دامنه کوه‌های زاگرس بالا می‌روند تا زمین را زیرورو کنند و در آن به صورت دیم محصولات زراعی بتوانند کندم و جو بکارند. اما چهار تا پنج سالی است که اراهی زیر آشکوب مناطق صعب‌العبور و دور از دسترس زاگرس به کشت خشخاش اختصاص می‌یابد؛ محصول ممنوعه‌ای که از آن تریاک استخراج می‌شود. مردم محلی می‌گویند که این محصول را برای مصارف شخصی می‌کارند و به این ترتیب لازم نیست برای دسترسی به این مخدر، چشم به آن سوی مرزهای شرقی داشته باشند. صاحبان مزارع نامشخص هستند و از قطعاتی به وسعت ۲۵۰ مترمربع یک کیلوگرم ماده مخدر به دست می‌آید. روستاییان قیمت هر کیلوگرم محصول مزرعه‌های بلاصاحب را ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان اعلام می‌کنند اما می‌گویند این قیمت‌ها قیمت عرفی است و کسی محصول این مزارع را خرید و فروش نمی‌کند. با یک کیلوگرم ماده کدو می‌توان یک میلیارد قطعات یک هکتاری که در آنها خشخاش کشت شده، ۴۰۰ میلیون تومان درآمد برای کشاورز ایجاد می‌کنند و اهالی روستاهای اطراف سیمره می‌گویند کشت خشخاش از محصولات دیمی که قبلا می‌کاشتند، قطعاً درآمد بیشتری برایشان ایجاد خواهد کرد. کسی نمی‌داند چگونه نخستین بذرهای این کیاه مستوجه پایش به منطقه باز شده است. نمی‌دانیم آیا کارتل‌هایی هستند که محصول مزارع غیرمجاز را خریداری کنند یا نه. فقط می‌گویند که در درزها و شیارهای زاگرس به خصوص نقاط دوردست و دورافتاده‌ای که ساکنان آن بضاعت مالی کسی دارند، عده‌ای مشغول به کشت کیاهی هستند که اگر به وضعیت آنها رسیدگی و از پتانسیل‌های قوانین برای کشت گونه‌های مجاز خشخاش استفاده می‌شد، شاید وضعیت زاگرس بهتر از امروز بود. در دو سوی سیمره از چشم کار می‌کند. قطعات چند مترمربعی تا چند هکتاری به کشت خشخاش اختصاص یافته است. به عبارتی تا نوک قله کود